

حکومت های «مرکزی»، «فدرالی» و یا «غیر متمرکز» در سیستم های سیاسی!

قریب ده سال است که از عمر سیستم جمهوری ریاستی، با کمی مشابهت با سیستم اضلاع متحده امریکا، سپری می گردد. پس از کنفرانس بن در سال ۲۰۰۱، اشتراک کنندگان و کشور های حامی این پروسه متعهد شدند، تا به جنگ طولانی خاتمه داده، ثبات را در کشور افغانستان ممکن سازند. درین راستا «ملت سازی» بر پایه دیموکراسی، سیستم سیاسی و اداری متمدن را برقرار نمایند تا این کشور را از وجود حلقات «تروریستی» رها نموده و در عین زمان این سرزمین را از خطرات «لانه» های احتمالی تروریستی بین المللی و غیره و غیره در آینده نیز رها سازند.

اینکه در هر جامعه چه نوع سیستم سیاسی اداری استقرار یابد، باید مردم آن طبق دلخواه و بر اساس درک و توانمندی کلی، آنرا در فضای همبستگی و توافق سیاسی، آباد نمایند. صاحبان اندیشه و صلاحیت باید، بیندیشند، که تمام اتباع یک کشور به حکومتی نیاز دارند، که قابلیت رهبری جامعه را داشته باشد. رهبری یک سیستم در شرایط کنونی دنیای ما، به اهل کار و صاحب دانش نیاز دارد. چنین اتباع اهل کار نیازمند تعلیم عامه، مطابق شرایط کشور اند. در پرنسیپ شکل و یا «فورم»، به تنهایی تضمین کننده خوشختی آینده برای یک جامعه محسوب شده نمیتواند. در عین زمان هر طرح جدید، نمیتواند نوید دهنده پیروزی و دستاورد های مثبت باشد. اما آنطوریکه در همه کشورهای پیشرفته جهان معمول است، باید قدم های انکشافی و تکاملی در چوکات یک نظام سیاسی با ثبات، قدم و قانونمند برداشته شود. هیچ انسان معقول درین راستا، از زمامداران طالب «معجزه» نمی باشد، ولی کار درست و بسود همه و خواست اتباع آرزو دارد. این حرکات «جهشی» و «انقلابیگری ها» تابه کی؟

از سال ۱۹۷۳ بیعد که نظام سلطنتی به «جمهوری» مبدل گردیده است، این کشور در ساحات مختلف، به از مایشگاهی مبدل گردیده است که، بدرستی طراحان اصلی را نمیتوان شناخت. رژیم جمهوری، در حقیقت امر، از بالا، برای جامعه «تحفه» دده شد: «مجله «شپیگل» چاپ آلمان، در شماره ۳۰ سال ۱۹۷۳ تحت عنوان افغانستان، با عنوان دومی «آخرین دیدار» مینویسد که: «... کشور خشک در دامنه هندوکش جمهوری شد. رهبر کودتا، محمد داود متحد کریمین علیه چین شمرده می شود.» به ادامه خبر داده میشود که «... در سه شنبه گذشته محافظین محمد ظاهر شاه، ۵۸ ساله، ۴۰ سال پادشاه افغانستان بوده است، در استراحتگاه جزیره «ایشیا» (Ischia)، این خبر را، برایش رسانید که در خانه، کابل پسر کاکای پادشاه، محمد داود ۶۴ ساله، با استفاده از غیبت پادشاه، پادشاهی را سرنگون و جمهوری اعلان داشته است.»

به ادامه گزارش یافته است که «این کشور با مساحت دونیم برابر جمهوری فدرال آلمان، نفوس آن بین ۱۲ تا ۱۸ ملیون تخمین گردیده است. عاید هر انسان معادل ۱۵۰ مارک غربی در سال گزارش گردیده است. «نفوس شماری هیچ وقت صورت نگرفته است. قریب نیمی از باشندگان را کوچی ها تشکیل میدهد. به نسبت کم آبی، انسان و حیوان در سرحد وجود بسر می برند. . . . از جمله ۵ طفل، ۳ آن بیش از عمر ۱۲ سال را اكمال نمیتوانند. . . . در تمام کشور فقط ۷۰۰ داکتر وجود دارد. بیش از ۹۰ فیصد افغانها، سواد نوشتن و خواندن را ندارد. . . . درین کشور عقب افتاده، قدرت در دست ملاکین و ملا های اسلامی است، که کمترین پیشرفت، صحتی و تعلیم مکتب را عمل شیطانی دانسته، شکست نا پذیر است. . . . در جمعیت اقوام آنها، افغانها در مقایسه با قدرت دولتی در کابل، بیشتر تحت اثر سران و متنفذین قوم و ملاها قرار دارند. . . . تمام تلاش های پادشاه، حال سرنگون شده را، که می خواست تا با «ریفرم» های متواضع، اوضاع اجتماعی قرون اوسطایی را تغییر دهد - چادری خانم ها را دور ساخته و احزاب را اجازه دهد - در نتیجه مقاومت مذهبیون و زمینداران بزرگ محلی بشکست مواجه گردید. . . . رهبر کودتا، محمد داود پسر کاکا و شوهر خواهر پادشاه، میخواد افغانستان را با یک سیاست دست نیرومند مبدل سازد. جنرال، در سال ۱۹۳۹ بحیث قوماندان اردو، سلطنت را در برابر قیام اقوام ضد آن نجات داد، کسیکه در جمله کمترین مهمانان غربی در مراسم تدفین ستالین اشتراک نمود و از جانشین «ستالین»، «خروسچف»، برای دیدار از کشورش دعوت بعمل آورد. در سال ۱۹۶۳، پس از ۱۰ سال خدمت بحیث صدراعظم، توسط پسر کاکایش ظاهر شاه از مقام برطرف گردید، زیرا محمد داود پارلمان و پادشاه را در حکومت سهیم نمیخواست. . . . در بیست سال اخیر مسکو ۱.۵ ملیارد دالر به افغانستان کمک نموده، . . . این کمک سه برابر کمک های انکشافی اضلاع متحده امریکا بوده است. . . . در همین گزارش همچنان از سپردن ۱۲۰۰ لاری، قریب یک سوم سرکها و ایجاد تونل و اولین سیلوی نان پزی و غیره نام برده شده، مینویسد که قوای هوایی در آنوقت بتعداد ۶۰۰۰ نفر عضو داشته که با طیارات روسی

دپاتو شمیره: له ۱ تر 2

افغان جرمن آنلاين تاسو په درنښت همکاري ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړيکه ټينگه کړئ maqalat@afghan-german.de يادښت: دليکنی د ليکنيزی ښي پازوالي د ليکوال په غاړه ده، هيله من يو خپله ليکنه له رالپولو مخکي په خير و لولئ

مجهر گردیده بود. بهمین ترتیب گزارش نشان میدهد که: «۵۰ افسر جوانیکه در هفته قبل در سازماندهی و انجام کودتای محمد داود، سهیم بوده اند، مانند اکثریت همقطاران آنها در اکادمی های نظامی شوروی تعلیم دیده بودند.»

در شرایط و احوال فوق، رژیم جمهوری اگر تغییرات چندی را در اداره براه انداخته است، بصورت کل از نگاه تناسب میان حجم «کله» و «تنه»، مانند نظام سلطنتی، تا حدی متناسب بوده است. سیستم اداری و سیاسی با قوانین قبلی تا حدی وفق داشته است، صرفنظر از آنکه فساد اداری، بحیث یک مرض مزمن، در بدن سیستم جای داشته و تا هنوز به حیات خود در ادوار مختلف با تفاوت ها ادامه داده است. بتعقیب «انقلاب سفید» و یا تحول بدون خونریزی، سقوط خونین، آنرا مشاهده نمودیم. این کشور که قدم های ابتدائی را در راه «دیموکراسی» و تعهد به آزادی های سیاسی (بدون رهائی قانون احزاب در آن مرحله) بر میداشت، همان سیستم قبلی را اگر، سالیان دراز بدون حزب و بعد هم مدت کوتاهی، با موجودیت نمونه های حزب مانند، تمرین دیموکراسی میکرد، بیک سیستم یک حزبی مبدل گردید، که در تمام دوران حکومتش از یکطرف با جنگ وسیع و مخالفت قوی روبرو بوده، در عین زمان با ایجاد سیستم اداری و رهبری بخصوص آن، به اشتباهات و اقدامات غیر منطقی اداری نیز روبرو گردید، که ممکن در عوامل سقوط آن، نیز سهم داشته بوده باشد. درین زمینه، رهبران آن وقت، انبساط «کله» اداره را بی نهایت نا متناسب خوانده اند، که تنه یا بدن با پاها و کمر باریک و کوتاه، «کله» را نمیتوانست حمل کند.

جوامعی که امروز دارای سیستم های اقتصادی ثمر بخش و قادر به رقابت در بازار بین المللی میباشند و با برقراری سیستم های سیاسی، اداری و حقوقی مورد اعتماد مردم خود را پایگذاری نموده اند، با حوصله مندی تحمل نظرات دانشمندان خود را دارند. سیاستمداران آنها، راه خود را بر اساس مشوره ها و گزارشات علمای آنها، در ارگانهای قانونی مطرح و به تصویب می رسانند.

حال باز هموطنان ما روی ترمینولوژی های مختلف و اصطلاحات، طوری به مناقشه می پردازند، که گویا گناه کلمات است. بصورت عموم هر سیستم «فدرالی» نمیتواند، حتما محکوم به «انشعاب» و «تجزیه» شناخته شود. ولی اقل باید دانست که چگونه آباد میگردد. سی سال قبل یک سیستم سقوط داده شده است، تا اکنون «بیدیل» با ثبات جای آنرا نگرفته است. از جانب دیگر «فیدرالیزم» چنین سیستمی نیست که مانند، قالب برای هر جامعه مطرح شده بتواند. در شرایط و احوالیکه موجودیت قوای کثیر ۴۱ کشور، بجنگ خاتمه داده نتوانسته اند، در عین زمان هم حکومت فعلی و هم جهانیان حامی آن از وجود «جنگ سالاران» و «فساد اداری»، نگران اند، پایگذاری یک سیستم «فدرالی» چگونه مسیر حرکت خود را خواهد پیمود؟ سیستم فیدرالی در شرایط عدم صلح، ثبات و دیموکراسی، چگونه سازمانیافته میتواند؟ اگر زمامداران، متکی بر «جنگ سالاران» و دستگاه «فاسد»، چشم و گوش عقل را بکار ببرند، جامعه ما، بخصوص نسل جوان داخل کشور از همان سلامتی جسمی و روانی برخوردار نبوده، همچنان ظرفیت های تربیه شده برای چرخاندن دولت را، با سطح زمان سلطنت سی سال قبل هم در اختیار ندارند. آنهائیکه احتمالاً تمام قدم های سیاسی را بمشوره، «مشاورین» کم دانش ممکن می بردارند، باید دقت بخرچ دهند، که عواقب تلخی را با خود خواهد داشت. سؤال اینجاست، که این «فیدرالیزم» و یا سیستم «غیر متمرکز» چگونه ساختار و قواعدی خواهد داشت و برای تعمیم آن، چه متخصصین و کار آزموده ها را در اختیار دارند؟

ازجانب دیگر، قابل توجه است که در جهان در سیستم های تولیدی و اقتصادی، انواع «مُدل ها» عملی میگردد، ممکن اصطلاحات، رهبری «جمعی» («کلکتیوی») و یا «غیر متمرکز» شنیده باشیم، ولی در سیستم های سیاسی که مسئولیت های متمرکز بی حساب را باحفظ «تمامیت ارضی» و استقلال کشور میداشته باشند، تا بحال نمونه های روشن عملی شده دیده نشده است.

با وجود آنکه از مدت ها به اینطرف از دانشمندان برجسته بخش «حقوق دولت»، تاریخ «دول» و سایر بخش های رشد و تکامل اجتماع، انتظار داشته ام تا توضیحات و رهنمود هایی لازم، مسلکی را مطالعه نمایم، که نخست برایم از روی اصول و تجارب سایر اجتماعات، بشمول گذشته های، تجربه دولتی در کشور ما، الهامی ممکن گردد، تا قضاوت کرده بتوانم که کدام، شیوه حکومت برای جامعه ما مفید و مساعد است، چه وقت و در کدام مرحله انکشافی، ما یک نوع سازماندهی را، بنفع انسان و انسانیت، بدون خطر خونریزی و ضیاع وقت، به گردش آورده میتوان. در اینجا درک علمی موازی با اراده صاحبان قدرت، ممکن چرخ جامعه را به پیش بکشاند. یکبار دیگر از همه دانشمندان وطن، تمنا می نمایم تا به توضیح علمی و مسلکی این موضوعات بپردازند، جامعه را در چوکات عنعنات مثبت نگهدارند، تا وحدت ملی راه پرثمر خود را بییابد.

ختم

د پاپو شمیره: له ۲ تر 2

افغان جرمن آنلاین په درېنیت تاسو همکاري ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینګه کړئ maqalat@afghan-german.de یادښت: دلیکني د لیکنيزي بڼي پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له راپرولو مخکي په خیر و لولئ